

## یادداشت

## شکست قطعی نسل کشی در غزه



**بهاء الدین بازرگانی گیلانی**

کارشناس مسائل بین الملل

اینکه اشغال، آپارتاید، استعمارگری و جهان‌گشایی نهایی محکوم به ناکامی است یک سیر محتوم تاریخی است؛ یک علم و تجربه زیسته در دنیا‌های دیروز و مخصوصا امروز است. یک سنت الهی است و هیچ شک و تردیدی در تحقق آن نیست. گرچه بنیان‌های به هم متصل قدرت، مخصوصا در دوران معاصر، مفرهای متنوعی برای اعاده قدرت و حفظ هژمونی تدارک دیده‌اند و با ایجاد نهاد‌های بین‌المللی مدرن و علم‌فناورمحور، بسیار پیچیده و دیرپا عمل می‌کنند و به اصطلاح از در خارج و از پنجره وارد می‌شوند، لیکن این، به آن مسلمات محتوم تاریخی هیچ‌گاه کمترین خدش‌های وارد نمی‌سازد و پای استدلال طرف مقابله جوی مهاجم در این میانه، سخت چوبین است. قیام باستانی اسپارتا کوس علیه امپراتوری روم بی‌هوده نبود و بعدها با فروپاشی امپراتوری، نوعا به نتیجه نشست و به سیر دشوار و تاریخی الفا برتری مدد رساند. در دوران متاخرتر، جنبش‌های رهایی بخش و استقلال طلب در آفریقا و آسیا، حرکت‌هایی کور و بی‌حاصل نبودند و در تعیین تقدیر نوع بشر و فرایند آزادی و استعلائی مدنی او مدد رسانده‌اند. سی سال اسارت نلسون ماندلا بی‌ثمر نبود و امحا آپارتاید خشن و زجرآور در قاره سیاه را به امرغان آورد و الگوی درخشانی برای دیگر سیاهان قاره شد. همین‌طور است بسیاری جنبش‌ها، انقلابات، حرکت‌های سیاسی و رهایی‌بخشی در طول دراز تاریخ در اینجا و آنجا، در این سرزمین و در آن قاره. همینجا باید مکتب کرد و به این سوال همواره تاریخی و مخصوصا امروزی‌ها، پاسخ گفت که این چه چرخه تکراری و شاید بی‌حاصل است، مبارزه کردن و انقلاب کردن و آزادی خواستن و جهد و جهاد نمودن؟ مگر تن دادن به الزامات منابع مسلط قدرت، سازش و صلح و تفاهم و همکاری، امروزه نتایج به مراتب بهتری به همراه نیاورده است؟ پاسخ به سوال و یا آرزومندی فوق، کاملا روشن است؛ گرچه امروزه در تعریف و مبانی مبارزه و آزادی طلبی، حسب تکامل فکری و فلسفی جوامع، تعدیلاتی صورت گرفته و شیوه‌های تحقق آن دگرگون شده است، لیکن این، یک سیر قطعی و برگشت‌ناپذیر آمیخته با طبیعت و فطرت نوع انسانی است. به عبارت دیگر آزاد شدن و آزاد زیستن مخصوصا استقلال سرزمینی، ولو با تعدیلات و مدرن‌سازی‌های امروزی، هرگز از جوهر و ذات انسانی کنده و جدا نشده و به پوئه فراموشی سپرده نشده است. بردگان تاریخ هرگز به بردگی مهر تایید نزدند و آزادی را به درازای تمام تاریخ مبارزه کردند، هرچند سپس اشکال دیگرگونه بردگی اعاده شد. ویتنام در مبارزه برای آزادی و یکپارچگی ملی لحظه‌ای رنگ نکرده و از پای نینفاد، ولو بعد از اراده خود، تصمیم به همکاری با تمام دنیا و حتی با دشمن سابق گرفت. آفریقای جنوبی کجا مبارزه با آپارتاید را لحظه‌ای بی‌ثمر و مضر قهید؟ چنین فقهی ضد فطرت و جوهر انسانی است و جز آرزو کردن و اندرز دادن، اصلا شدن نیست. امری محتوم است، فکر آزادی و استقلال طلبی هنوز هیچگاه از فکر و ذکر ایرلندی‌ها و ملت‌های مشابه زائل نشده و همچنان زنده و بابرجاست و تداوم دارد. مساله اساسی امروز برای دنیای غرب، نابودی و امحا حماس با بمباران‌های جنون آمیز صهیونیست‌ها نیست، گرچه تاریخ جدید نشان داده است که بمباران‌های گسترده مناطق غیر نظامی تقریبا هرگز به اهداف خود نرسیده است. امروز دنیای غرب پیش از هرچیز نگران زائل شدن شتابان حیثیت اخلاقی و قدرت نرم خویش است که به مدت چندین دهه بعد از جنگ، آنها را برای خود ساخته و پرداخته کرده است. حضور میلیون‌ها انسان خشمگین در خیابان‌های پایتخت‌های بزرگ غربی در اعتراض به نسل‌کشی جدید در غزه، زنگ خطری برای تداوم این فروپاشی‌های اخلاقی و طبعی به دنبال آن زوال‌های سیاسی است. مصلحین دوراندیش غربی و حتی سیاستمداران شان امروزه از چنین فرآیندی آشکارا ابراز نگرانی می‌کنند و از جمله مکرون رئیس‌جمهور فرانسه برای توقف این فرآیند ویرانگر، خواستار چاره‌جویی‌های بنیانی شده است. «انسان ما دون شمردن» اقوام دیگر که سنت درازی در تمدن متاخر غرب دارد و اصلا «انسان نشمردن» فلسطینی‌ها توسط رژیم اشغالگر، با همه سوزی در غزه، به انتهای محتوم خود نزدیک شده است. بورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی و آخرین بازمنده نامدار مکتب انتقادی فرانکفورت که در شرایط استیلا و آرامش و رفاه، همیشه نسخه گفت‌وگو تجویز کرده و ناشر اندیشه‌های مکتب گفتمانی و خالق اندیشه مترقی «کنش ارتباطی» است، متاسفانه با چشم بودنی حیرت‌انگیز از این قبیل مسلمات تاریخی عینی و روشن، مجبور شده است از این بهییمیت به مدافعه برخیزد و همه سوزی جدید آن بهائیم در باریکه محصور غزه را دفاع از خود بخواند. گویا برای سم مهلک فاشیسم، مانده در دی. ای. ان. اعقاب قوم همیشه مهاجم ژرمنی، هنوز یاد‌زهری پیدا نشده است! اینها همه اگر سقوط آزاد، بدیهی‌ترین مبانی اخلاقی در دنیا‌های هژمون نیست، پس چیست؟ می‌گویند مارتین هایدگر دیگر فیلسوف بزرگ آلمانی هم گویا از فلسفه جهانگیری جانایاتکارانه نازیس هیتلری به مدافعه بر خاسته بوده؟! و اما ثمره تمام این کنش‌ها در طول تاریخ چیزی جز تکامل، ترقی و اعتلائی مدنیت و صلح و عدالت در جوامع انسانی و زدودن سیستماتیک و قه‌ری تمام آثار بندگی‌ها و بردگی‌های عقب‌ماندگی‌ها و ستم‌پذیری‌ها و بسیاری مفاهیم و معانی مشابه در جای‌جای دنیای امروز نیست. بر این مبناست که چندین دهه مبارزه فلسطینی‌ها برای رفع اشغال و تبعیض که در دنیای مدرن امروز با بهییمیت بی‌سابقه‌ای در قتل عام و تنبیه دسته جمعی یک ملت محصور و آواره آن هم در مقابل چشمان مسلح و مجهز به ثبت و انتشار لحظه لحظه این نسل‌کشی وقیح و قساوت آمیز، همین‌طور در مقابل وجدان‌های تکامل یافته جوامع امروز ادامه دارد، با ناکامی قطعی مواجه خواهد شد

امیررضا واعظ آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# قهرمانی در جام ملت‌های آسیا آدم بزرگ می‌خواهد



حتی یک مسابقه بی‌حاشیه و بی‌حرف

و حدیث در لیک برگزار نمی‌شود



هر کسی از عملکرد فدراسیون و تیم ملی

انتقاد کند غیر سازنده تلقی می‌شود

آرمان ملی - احسان انصاری: «برخی در ظاهر عنوان می‌کنند در حال مقابله با مافیا و دست‌های پست پرده هستند. این در حالی است که برخی تلاش می‌کنند هزینه‌های باشگاه‌ها افزایش پیدا کند تا برخی فرصت طلب‌ها و مافیای از این وضعیت منتفع شوند. در فصل فوتبالی که در حال برگزاری است در حدود ۷ هزار میلیارد تومان در فوتبال هزینه می‌شود. سوال این است که از همه پولی که در فوتبال کشور هزینه می‌شود چه نتیجه‌ای برای ارتقای کیفیت لیگ و تقویت تیم‌های ملی حاصل شده است؟ چه اتفاق مثبت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این فوتبال رخ داده است؟ هنگامی که هیچ نتیجه مثبتی از این همه هزینه به دست نیامده به معنای این است که فوتبال کشور نیازمند خانه‌تکانی مدیریتی است و باید افرادی بر مسند کار قرار بگیرند که از توانایی برنامه ریزی و مدیریتی کافی برخوردار باشند.» جملات ذکر شده اظهارات امیررضا واعظ آشتیانی، مدیرعامل پیشین باشگاه استقلال در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. واعظ آشتیانی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های ورزش و به خصوص فوتبال کشور پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

سازمان و تشکیلات ایجاد کند. این وضعیت درباره تصمیم خردمندان و آینده نگران نیز وجود دارد و در چنین شرایطی پیامدهای مثبتی به همراه خواهد داشت.

## انتخاب آقای قلعه نویی پس از کی‌روش تصمیمی خردمندانه بود؟

هنگامی که قرار است در حوزه ورزش یا هر حوزه‌ای انتقال دانش صورت بگیرد ابتدا باید به این نکته توجه کرد که داشته‌های ما چیست؟ اگر قرار است از یک مربی با دانش استفاده کنیم در مرحله نخست باید این سوال را از خود پرسیم که آیا ما توانسته‌ایم شرایط را برای وی به وجود بیاوریم که بتوانیم از دانش وی استفاده کنیم یا خیر. نکته دیگر این است که باید مشخص کنیم انتخاب یک مربی برای تیم ملی به توجه به چه اهدافی است و به چه دلیل فردی را به عنوان مربی تیم ملی انتخاب کرده‌ایم. قبل از جام جهانی آقای اسکوچیچ، سرمربی تیم ملی بودند که هنگامی که آقای تاج به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب شدند عنوان کردند که من حسن می‌کنم و آقای اسکوچیچ در جام جهانی موفق نمی‌شویم و به همین دلیل با حس خود آقای کی‌روش را دوباره به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب کردند. این اتفاق به معنای این است که مشورت کردن، عقلانیت و خرد جمعی را برای تصمیم‌گیری کنار گذاشته‌ایم و حس شخصی خود را ملاک انتخاب سرمربی تیم ملی کرده‌ایم. حتی در این زمینه از دیدگاه‌های اعضای کمیته فنی نیز استفاده نشده است. در نتیجه کنار گذاشتن آقای اسکوچیچ و انتخاب مجدد آقای کی‌روش یک حس بود که نتیجه حس نیز در جام جهانی با حذف ایران از مرحله گروهی و شکست سنگین مقابل انگلیس و باخت در مقابل آمریکا خود را نشان داد. پس از جام جهانی دوباره رئیس فدراسیون فوتبال براساس حس که داشتند به این نتیجه رسیدند که از مربی داخلی استفاده کنند و به همین دلیل آقای قلعه نویی را به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب کردند.

## چقدر به موفقیت تیم ملی در جام ملت‌های آسیا خوش بین هستید؟

همه ما امیدواریم و دوست داریم که تیم ملی قهرمان جام ملت‌های آسیا شود. با این وجود این اتفاق نیازمند حضور افراد بزرگ و با دانش در رأس فوتبال و کادر فنی تیم ملی است. بدون تردید اگر چنین وضعیتی وجود نداشته باشد ما با چالش مواجه خواهیم بود. امروز ما باید وضعیت رقیبای خود را در آسیا رصد کنیم که در چه وضعیتی قرار دارند و چه برنامه‌ای برای آینده خود دارند. اگر به وضعیت برگزاری لیگ‌های رقیبای خود و لیگ کشورمان توجه کنیم به برخی واقعیت‌هایی خواهیم بود. ما یک لیگ را در کشور برگزار می‌کنیم که یک سال طول می‌کشد. لیگی که باید در ۶ ماه به پایان برسد یک سال طول می‌کشد. این در حالی است که یک مسابقه بدون حاشیه و بدون حرف و حدیث در لیگ مشاهده نمی‌کند. این وضعیت نشان می‌دهد ما با یک فوتبال به هم ریخته، بی‌نظم همراه با سوء مدیریت مواجه هستیم. افرادی فوتبال کشور را مدیریت می‌کنند که بیست سال در فوتبال کشور حضور دارند. اگر قرار بود از این افراد برنامه ریزی و دستاوردی به وجود می‌آمده باید در طول این بیست سال به وجود آمده است. در نتیجه اگر با وضعیت خوبی مواجه نیستیم این افراد باید سمت‌های مدیریتی را ترک کنند و کار را به دست مدیران تازه نفس و با



برخی نفع‌دهنده‌های

باشگاه‌ها را افزایش

می‌دهند تا مافیای سود کند



## هنگامی که کارشناسان فنی در

حوزه فنی از تیم ملی انتقاد می‌کنند و

دیدگاه‌هایی را مطرح می‌کنند که دقیق

به نظر می‌رسد کسانی که در فدراسیون

حضور دارند چگونه تشخیص می‌دهند

که این انتقادات سازنده است یا خیر.

بله بنده هم قبول دارم که انتقاد نباید

با انتقام همراه باشد. از سوی دیگر هر

انتقادی نیز به معنای نفی کلی نیست

و بلکه از نظر فنی مطرح می‌شود.

مشخص نیست این نوع ادبیات از کجا

خلق شده که هر کسی انتقاد می‌کند را

غیر سازنده قلمداد می‌کنند.

برنامه به‌دهند که شرایط فوتبال را تغییر بدهند. من به همین دلیل عنوان می‌کنم وضعیت رقیبای آسیایی خود را رصد کنیم که در چه وضعیتی قرار دارند و بعد درباره شرایط مدیریت فوتبال کشور قضاوت کنیم. هنگامی که یک لیگ را به صورت مرتب برگزار نمی‌کنیم چگونه انتظار داریم بتوانیم رقبایی که با برنامه ریزی در مسیر آینده حرکت می‌کنند را شکست دهیم و قهرمان آسیا شویم. البته من منکر توانایی‌های بازیکنان تیم ملی نیستم و معتقدم ما دارای ظرفیت قهرمانی آسیا هستیم. با این وجود قهرمانی مدیر و آدم بزرگ می‌خواهد. هنگامی که انتخابات یک فدراسیون شکل مافیایی به خود بگیرد چه انتظاری وجود دارد؟ مقام معظم رهبری در دیدار اخیر که با ورزشکاران داشتند به مافیای پست پرده ورزش اشاره کرده و آن را قوت ورزش کشور دانستند. این در حالی است که مافیای مدت‌هاست در ورزش و به خصوص فوتبال ما رخنه کرده و هنوز برای مقابله با آن راه‌حاره‌ای اندیشیده نشده است.

## نیادهای نظارتی وجود مافیای را در ورزش کشور درک نمی‌کنند و یا اینکه درک می‌کنند اما از قدرت کافی برای برخورد با آن برخوردار نیستند؟

واقعیت این است که در ظاهر برخی عنوان می‌کنند در حال مقابله با مافیای و دست‌های پست پرده هستیم. این در حالی است که برخی تلاش می‌کنند هزینه‌های باشگاه‌ها افزایش پیدا کنند تا برخی فرصت‌طلب‌ها و مافیای از این وضعیت منتفع شوند. در فصل فوتبالی که در حال برگزاری است در حدود ۷ هزار میلیارد تومان در فوتبال هزینه می‌شود. سوال این است که از همه پولی که در فوتبال کشور هزینه می‌شود چه نتیجه‌ای برای ارتقای کیفیت لیگ و تقویت تیم‌های ملی حاصل شده است؟ چه اتفاق مثبت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این فوتبال رخ داده است؟ هنگامی که هیچ نتیجه مثبتی از این همه هزینه به دست نیامده به معنای این است که فوتبال کشور نیازمند خانه‌تکانی مدیریتی است و باید افرادی بر مسند کار قرار بگیرند که از توانایی برنامه ریزی و مدیریتی کافی برخوردار باشند.

## نگره

## شکاف بین نگاه

## تل آویوو و واشنگتن؟

به دنبال وضعیت سیاسی دوباره و چند پاره کابینه نتانیاهو بعد از هفتم اکتبر اکنون گسل‌ها به شکل جدی‌تری از گذشته خود را نشان داده است. از گسل نخست وزیر گرفته با چهره‌های امنیتی و نظامی تا شکاف نگاه واشنگتن و تل‌آویوو بر سر ادامه جنگ در غزه. در همین راستا کانال رژیم صهیونیستی از وجود اختلاف‌هایی در کابینه جنگ رژیم صهیونیستی بر سر توافقی جدید برای تبادل اسرا با حماس خبر داد. بر اساس این گزارش، بنی‌گانتس عضو کابینه جنگ معتقد است که (رژیم) اسرائیل باید فرصتی برای پیشبرد دوباره روند مذاکرات پیدا کند. از سوی دیگر یو آگالانت، وزیر جنگ و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بر این باورند که باید منتظر نشانه‌ای از سوی حماس مبنی بر علاقه‌مندی این گروه برای توافق مبادله اسرا بود که تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. در ادامه این اختلافات، منابع رسانه‌ای روز پنج‌شنبه از مخالفت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با پیشنهاد رئیس سازمان اطلاعات خارجی این رژیم (موساد) برای آغاز دور جدید مذاکرات غیرمستقیم با مقاومت فلسطین در دو حه پرده برداشتند. شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی در این باره فاش کرد، دیوید بارنیا، رئیس موساد پیشنهاد داد برای مذاکره در چارچوب دستیابی به یک توافق جدید با فلسطینی‌ها به قطر برود، اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پیشنهاد وی را نپذیرفت. طبق گزارش این رسانه عبری، رئیس موساد در جلسه‌ای که در روزهای اخیر برگزار شد، پیشنهاد کرد به منظور دستیابی به توافق جدید برای تبادل اسرا میان حماس و رژیم صهیونیستی به همراه نیتزان آلون، مسئول پرونده اسرای صهیونیست به قطر سفر کند، اما کابینه جنگ به رهبری نتانیاهو، تصمیم گرفتند اجازه چنین سفری را ندهند و نگذارند مقامات ارشد رژیم اشغالگر برای پیشبرد این روند به دو حه بروند. در همین راستا، یک منبع آگاه به شبکه سی‌ان‌ان اعلام کرد که رژیم صهیونیستی سفر برنامه ریزی شده رئیس موساد به قطر برای از سرگیری مذاکرات را لغو کرده است.

**نتانیاهو، عامل شکاف تل‌آویوو و واشنگتن**

با توجه به تهدید گانتس علیه نخست‌وزیر اسرائیل بسیاری از محافل سیاسی رژیم صهیونیستی نتانیاهو را عامل کمربند شدن اختلاف اسرائیل و ایالات متحده می‌دانند، به طوری که این گمانه‌زنی پس از سخنان انتقادآمیز جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا علیه بی‌بی‌سی شدت یافته است. جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا چهارشنبه شب اذعان کرد که رژیم اسرائیل به دلیل بمباران بی‌رویه و گسترده به نوار غزه و کشته‌شدن هزاران غیرنظامی فلسطینی در حال از دست دادن حمایت جامعه بین‌المللی است. رئیس‌جمهوری ۸۱ ساله آمریکا که برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ این کشور کاندیدا شده است، در یک رویداد جمع‌آوری کمک‌های مالی در واشنگتن گفت: «آنها در حال از دست دادن این حمایت هستند.» او افزود، نتانیاهو باید کابینه خود را تقویت و تغییر دهد تا راه‌حلی بلندمدت برای مناقشه اسرائیل و فلسطین پیدا کند. بایدن اظهار کرد: کابینه کنونی، افراطی‌ترین کابینه است و راه‌حل دو کشور را نمی‌خواهد.

**نگرانی آمریکا از فرسایشی شدن جنگ غزه**

در میانه وضعیت شکننده بی‌بی‌سی و اوج‌گیری اختلافات او با دیگر اعضای کابینه و نیز تشدید شکاف بین واشنگتن و تل‌آویوو، رسانه‌های آمریکایی همزمان با سفر جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا از فرسایشی کردن جنگ میان رژیم اسرائیل و فلسطین از سوی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم برای بقای خود ابراز نگرانی و اعلام کردند تنش‌های بی‌سابقه میان واشنگتن - تل‌آویوو در افزایش بوده و رهبری جهانی آمریکا به دلیل حمایت از این رژیم در معرض تهدید است. به گزارش ایرنا، شبکه خبری سی‌ان‌ان آمریکا روز پنجشنبه به وقت محلی در تحلیلی نوشت: «باید رابطه بسیار نزدیکی با نتانیاهو داشته است اما در ماه گذشته و پس از حملات اسرائیل به غزه که منجر به کشته‌شدن هزاران غیرنظامی شد، تنش‌های بی‌سابقه‌ای میان کاخ سفید و دولت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل ایجاد شد. برای مثال، بایدن اسرائیل را متهم کرد که بمباران «بی‌رویه» در غزه انجام داده است. او از بیان بسیار صریح استفاده کرد، که معمولا آشرم مقامات اسرائیلی در بیان دلیل دارد. مقامات اسرائیلی ادا می‌کنند که از غیرنظامیان محافظت می‌کنند. شکاف‌های دیپلماتیک میان آمریکا و اسرائیل در حال عمیق‌تر شدن هستند. ارزیابی اطلاعاتی جدید آمریکا، که توسط سی‌ان‌ان منتشر شده نشان می‌دهد که تقریبا نیمی از مهمات هوا به زمین مورد استفاده اسرائیل در غزه، بمب‌های هدایت نشده بوده‌اند. سفر جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا به اسرائیل اعتقاد واشنگتن را نشان می‌دهد مبنی بر اینکه اسرائیل به اندازه کافی هشدارهای اتنونی بلینکن، وزیر امور خارجه جهت کاهش تلفات غیرنظامیان را جدی نگرفته است. سفر سالیوان همچنین با سفر بایدن به اسرائیل در ماه اکتبر، زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا به اسرائیلی‌ها گفت که در شوک و «خشم همه‌جانبه» آنها درک می‌کند، در تضاد است. اما او همچنین به اسرائیل هشدار داد که اشتباهات مشابهی را که آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ مرتکب شد، تکرار نکند و به خیزشگران در راه بازگشت به واشنگتن گفت که اگر اسرائیل برای تسکین درد و رنج فلسطینیان در غزه اقداماتی انجام ندهد، از سوی جامعه بین‌المللی به شدت مورد قضاوت قرار خواهد گرفت.